نیره سازی
پرونده
سبک زندگی و صنایع دستی

صنایع دستی ایرانی که نباشد سبک زندگی بیگانه می‌آید

قدر گنج و دسترنج ناب ایرانی را بدانیم

دقت کرده‌اید وقتی از زندگی ماشینی خسته می‌شوید یا حتی وقتی از خانه باتنگ کارتل که دکورلسوینی مدرن دارد دلزده می‌شوید دل تان هوای جایی را می‌کند که دلا ور و خرمنی باشد تخت و پشتی و گلیمی باشد، نوای دلنشین موسیقی سنتی، جای دیدن زغالی روی سماور مسی و جرعه‌نوشی آن در استکان‌های کمرباریک ناهارتان هم یک دیزی مشتی باتربت سنگک و حتما هم یک کاسه سفالی باسی... اینها همه به شعارتزی مثبت تاب ایرانی می‌دهد، ولی افسوس که تحت تأثیر فرهنگ بیگانه زندگی‌مان پرشده از انواع محصولات و لوازم مدرن که حواس‌خواه فرهنگ رفتاری همراه خود، انیز به ما تحمیل می‌کند. افسوس که اموروز کمتر خبری از خنکای سایه بوته خیسوری، لم‌دادن به پشتی‌های قالیباف، قل‌قل سماور مسی، سرکشیدن آب سرد و لال از کوزه‌های سفالی، آویزهای رنگارنگ بافتنی بر دیوار، چیدن میوه در سبدهای دستباف، (ارمغان‌های خسته در گوبه‌های سبک و خنک دیزی سنگی و نوشیدن دوغ ترش و خنک در تغار برنقش و نگار هست. حالا خاطره بیرونی یک ساعت سیری کردن در یک رستوران سنتی کلی پول بدهیم تا گوشه‌ای از این تصویر نوسالژیک را زنده کنیم. باعمل باشد مصنوع دستی زیبا اصیل و سرشار از انرژی ایرانی که از زندگی‌مان رخت بربندند. تکنولوژی مرد و بی‌هویت از راه می‌رسد و کم‌کم همه چیزمان را از ما می‌گیرد. صنایع دستی ایرانی اصیل‌ترین و واقعی‌ترین هنر هاست. چرا که برگرفته از هویت، سرشت و روح اقوام ایرانی در گوشه گوشه سرزمین ما است. این اصالت و هویت تنها زمانی به حیات خود ادامه می‌دهد و باقی‌مانده می‌شود که من و شما فدر این هنر صنعت، گنج و دسترنج ناب و بی‌بدیل هنرمندان و صنعتگران ایرانی را بدانیم در یک کلام با آن قهر نکنیم و اجیجه خود دارید از بیگانه تمنا نکنیم.

حسین گل‌محمدی

ویدا توحدی، مدیر کل دفتر آموزش و ترویج صنایع دستی:

اقبال داخلی می‌خواهیم

مدیر کل دفتر آموزش و ترویج معاونت صنایع دستی، برندسازی، هویت بخشی و در نهایت حفاظت از هویت محصولات صنایع دستی در مناطق مختلف کشور را مهم‌ترین راهکار برای ترویج این می‌داند و معتقد است: مصرف کنندگان خانگی مبلغان خوب ترویج صنایع دستی هستند و حیات، پویایی و هویت این بخش در گرو اقبال مصرف کنندگان است. ویدا توحدی، راهحل‌های ترویج صنایع دستی را برمبنی شمرد و آن را به سه بخش مجزا تقسیم می‌کند و درباره آن توضیح می‌دهد: یکی از راهحل‌های مازم جند سال اخیر متکی به هویت‌سازی برای تولیدکنندگان صنایع دستی در حوزه‌های مختلف بود که نسبت به محصول تولیدی خود تعصب داشته باشند چرا که تعصب بر برند شهر یا روستا در یک منطقه همان هویتی است که به آن اشاره داریم. به اعتقاد مدیر کل دفتر آموزش و ترویج معاونت صنایع دستی چنین عملکرد ی باعث احیاء شده تولید کننده یک محصول خاصی را که در ایران تولید می‌شود، مختص شهر یا منطقه جغرافیایی خود بداند و برای تولید و تبلیغ بیشتر یکوشد و از سوی دیگر خریداران و مصرف کنندگان خاص محصول تولیدی را به خود جذب کند. وی، باذکر مثالی توضیح می‌دهد: شاید قدیم وقتی از نمدمالی صحبت می‌شد، افراد از اینکه بگویند نمدمال هستم پرهیز داشتند اما امروزه با توجه به استقبال گسترده

مصرف‌کنندگان خانگی به خصوص قشر جوان مبلغان خوبی برای ترویج محصولات هستند، اگر هنر مصرف‌کننده‌ای در فضاهای مختلف برای معرفی خاص و کاربرد محصول تلاش کند، به مرور صنایع دستی هویت بخشی خواهد شد

امید مستوفی‌راد، پژوهشگر حوزه صنایع دستی:

صنایع دستی ما را با خودمان آشتی می‌دهد

این روزها که در دنیای شلوغ سرمایه‌داری و حجم سرسام‌آور اخبار و خستگی و ترافیک گاه از خانه‌مان را هم گم می‌کنیم، آنچه خلوت، زیاهای مان را رنگین می‌کند، بازیابی هویت گذشتگان ما است. گذشتگانی که امروز حاصل دستر نج‌شان را می‌توانیم در طاقچه‌های زندگی‌مان برای رسیدن به اندکی آرامش داشته باشیم. دوستی و همنشینی با صنایع دستی ایرانی ما را با خودمان آشتی خواهد داد، برای مان قصه خواهد گفت. حرف خواهد زد و دل‌های مان را در این روزهای سرد مجازی با استکانی چای، گرم خواهد کرد. صنایع دستی ایرانی چهار فصل است. زمستان عطر لحاف و منگای مادربزرگ را می‌دهد و تابستان خنکای باد گیرهای بزند از اندامی می‌کند. گاه دل مان برای بهار و پاییزهای صنایع دستی، برای سبزو زردهایش در ایوان خانه مادر بزرگ تنگ می‌شود. کاش دوباره برگردد به همین خانه‌های کوچک مان که این روزها پنجره‌هایش را دود ماشین‌های خیابان سیاه کرده است؛ پنجره‌هایی که دیگر مشبک و رنگین نیست و هر چند دوجداره است و صدای بوق و ویولز را می‌گیرد، اما تمامایی نیست. شاید بازهم دست‌ساخته‌های از دل برخاسته ایرانی، در گوشه گوشه زندگی‌مان سبز شود و روزهای مان را از لابه‌لای روزهای سرد سرمایه‌داری مدرن پس بگیرد. برای صنایع دستی تعاریف گوناگونی وجود دارد اما شاید بتوان به این تعریف شورای صنایع دستی ایران در سال ۱۳۸۳ بسنده کرد که: «صنایع دستی به ۱۲ رشته از صنایع اطلاق می‌شود که تمام یا قسمتی از مراحل ساخت فرآورده‌های آن با دست انجام گرفته و در چارچوب فرهنگ و بینش های فلسفی، ذوق و هنر انسان‌های هر منطقه با توجه به میراث‌های قومی آنان ساخته و پرداخته می‌شود.»

صنایع دستی ایران از دیرباز دارای شهرت جهانی بوده و همواره بستری مناسب برای همگرایی اندیشه، فرهنگ و هنر ایرانی و بومی فراهم کرده است

صنایع دستی تجلی، نمود و نماد سبک زندگی ایرانی - اسلامی و برآیند شرایط اقلیمی، اقتصادی، هویتی و ارزش‌های جمعی است که نقش مؤثری در زندگی ایرانی‌ها می‌کند. صنایع دستی برخاسته از نیاز انسان زیباگرا و زیبایی است که تلاش می‌کند مبتنی بر زیرساخت‌های فکری و توانمندی جامعه نمود یابد و موجبات همگرایی فرهنگی را فراهم سازد، به گونه‌ای که از معماری تا دوخ‌توخ، به برخاسته‌ها نشان دارد. صنایع دستی علاوه بر نماد و نشانه‌های بنیادی و اعتقادی، نماد زندگی روزمره را نیز مرتفع می‌کند. این کار کسود و کالبد برگرفته از بینش و نگرش جوامع تاریخ‌مندی چون ایران است که همواره در راستای همخوانی و همخوبی با اقلیم گام برمی دارد و سعی بر همسویی با توانمندی و تجربه دارد، از سویی دیگر صنایع دستی محصول خردمندی رابطه میان زندگی و محیط زیست است که نه تنها در بی غلبه بر آن نخریش نیست بلکه مهورزانه با محیط زیست رفتار می‌کند. جای جای این سرزمین، نشان از پیوند صنایع دستی با هستی دارد که همراه با زندگی از دیرباز به امروز آمده و در پی رفع نیاز انسان به طرز هوشمندانه‌ای همسایا داشته‌ها در عین کمبودها عمل کرده است. صنایع دستی نماد، توانمندی و تلاش جوامع برای استقلال مادی و معنوی است، از طرفی که می‌سازد تا سقفی که می‌سازد و تا سفره‌ای بنا می‌کند. آنچه امروز این توانمندی و سازگاری تاریخی را تهدید می‌کند، خروج آن از مدن زیستی به حاشیه است و جان مایه دستی، یعنی تبدیل کارکرد بوها و معنایخش زندگی به صرفا تزئینی در خطر است. گویی امروز نتوانسته‌ایم زندگی‌مان را خراب می‌کنیم و ما باید به اصل خود سکوت نشسته و نظارهگر خودمگی روزگار سرزندگی تاریخی خود است. صنایع دستی را به زندگی برگردانیم که بی‌زندگی، زنده نخواهد ماند. صنایع دستی را به زندگی برگردانیم که بی‌آن هویت تاریخی و توانمندی خردمندانه‌مان دستخوش طوفان‌های هولناک تهی‌شدگی و پوستیکی خواهد شد.

متأسفانه نمای داخلی بسیاری از خانه‌های امروز ایرانیان با صنایع دستی سنخیتی ندارد و خانه‌های‌مان مملو از محصولات خالی از توانمندی و تاریخ مان است. ضمن دلایل این موضوع، بفرمایید برای آشتی دوباره مردم به ویژه شهرنشینان با صنایع دستی و محصولات سنتی ۳هزار و ۶۰۰ نفر، کارهای وابسته به معماری ۳هزار و ۳۹۱ نفر، هنرهای درپایی ۵۰۰ نفر، صنایع دستی کاغذی ۳۵۰ نفر و صنایع دستی استخوان ۵۶ نفر فعال هستند در پیشه‌های وابسته نیز ۲۵ هزار نفر شاغل داریم.

بیش از ۷۰درصد آمار ارائه شده در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی مربوط به اشتغال زنان است. بخشی از این جامعه روستاییان هستند که می‌توانند به تقویت اقتصاد خانواده کمک کنند. علاوه بر این شاغلان صنایع دستی اشراف دارند که ارزش کاری که با دست ساخته می‌شود بالاست و ارزش افزوده کار بالا می‌رود. به طور مثال از حصیر ساده‌اثر فاخر ایجاد می‌شود. از آنجا که صنایع دستی صرفاً نیازمند مواد اولیه داخلی است، در نتیجه به هرگونه واردات وابسته نیستند و این امر به اقتصاد جوامع محلی به شدت کمک می‌کند. از سویی صادرات بالاتر موجب می‌شود ارزش افزوده صنایع دستی ایران بالاتر برود. صنایع دستی در بعد اقتصادی خانواده و هم در کشف بازارهای جدید داخلی و خارجی مفید است.

هر چاه گردشگری پررنگ بوده باز صنایع دستی هم پررنگ بوده است، یعنی هم صنایع دستی جاذبه است که نقش‌های ایرانی دیده می‌شود و هم به عنوان سازار جانبی برای گردشگری است. در واقع صنایع دستی اقتصاد مکمل جوامع محلی محسوب می‌شود. نکته دیگر اینکه اشتباه است که صنایع دستی را صرفاً یک صنعت ببینیم بلکه صنایع دستی ترویج هنر ایرانی است. تنوع نشانگر فرهنگ غنی ایرانی است و این فرهنگ غنی جای ترویج دی‌نیاز دارد تا دانشمندهای کشورمان را معرفی کند. صنایع دستی برای تمام دانشمندان رمعان و محصولی برای عرضه دارند. اگر صنایع دستی به نیاز روزمره گره بخورد بسیار موفق است. گاهی هنرمند کلایی، اظهر برای مشتری خاص تولید و گاهی در حد معمول برای رفع نیاز داخلی اقدام به تولید می‌کند. اما هر دو را باید همزمان مدیریت و نیاز هر دو گروه را مرتفع کرد. هر گروه هنری مشتری خاص خود را دارد. مهم این است که برای پاسخ به نیاز طبقه متوسط به پایین تلاش بیشتری برای کاربردی تر کردن صنایع دستی صورت گیرد.

اشتباه است که صنایع دستی را صرفا یک صنعت ببینیم بلکه صنایع دستی ترویج هنر ایرانی است. تنوع نشانگر فرهنگ غنی ایرانی است و این فرهنگ غنی جای ترویج دی در دنیا دارد تا دانشمندهای کشورمان را معرفی کند

مریم جلالی، معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی وزارت میراث فرهنگی:

صنایع دستی ما خانواده‌محور و تجلی سبک زندگی ایرانی-اسلامی است

مریم جلالی، معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی وزارت «میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی» در گفت‌وگو با «جوان» معتقد است: سبک زندگی ایرانی، خانواده‌محور است و صنایع دستی نیز خانواده‌محور است و چون ریشه سبک زندگی ایرانی در خانواده است، این خانواده مولد باعث می‌شود صنایع دستی مبتنی بر محوریت خانواده داشته باشیم که همه اهالی در آن نقش دارند. در آستانه ۲۰خرداد روز جهانی صنایع دستی با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

خانم دکتر جلالی، پروندهٔ این هفته ما مربوط به سبک زندگی و صنایع دستی است و اصلا قصد ورود به مباحث فنی و تخصصی صنایع دستی را ندارم، به نظر شما چه ارتباطی بین صنایع دستی و سبک زندگی ایرانی وجود دارد؟

صنایع دستی تجلی، نمود و نماد سبک زندگی ایرانی - اسلامی و برآیند شرایط اقلیمی، اقتصادی، هویتی و ارزش‌های جمعی است که نقش مؤثری در زندگی ایرانی‌ها می‌کند. صنایع دستی برخاسته از نیاز انسان زیباگرا و زیبایی است که تلاش می‌کند مبتنی بر زیرساخت‌های فکری و توانمندی جامعه نمود یابد و موجبات همگرایی فرهنگی را فراهم سازد، به گونه‌ای که از معماری تا دوخ‌توخ، به برخاسته‌ها نشان دارد. صنایع دستی علاوه بر نماد و نشانه‌های بنیادی و اعتقادی، نماد زندگی روزمره را نیز مرتفع می‌کند. این کار کسود و کالبد برگرفته از بینش و نگرش جوامع تاریخ‌مندی چون ایران است که همواره در راستای همخوانی و همخوبی با اقلیم گام برمی دارد و سعی بر همسویی با توانمندی و تجربه دارد، از سویی دیگر صنایع دستی محصول خردمندی رابطه میان زندگی و محیط زیست است که نه تنها در بی غلبه بر آن نخریش نیست بلکه مهورزانه با محیط زیست رفتار می‌کند. جای جای این سرزمین، نشان از پیوند صنایع دستی با هستی دارد که همراه با زندگی از دیرباز به امروز آمده و در پی رفع نیاز انسان به طرز هوشمندانه‌ای همسایا داشته‌ها در عین کمبودها عمل کرده است. صنایع دستی نماد، توانمندی و تلاش جوامع برای استقلال مادی و معنوی است، از طرفی که می‌سازد تا سقفی که می‌سازد و تا سفره‌ای بنا می‌کند. آنچه امروز این توانمندی و سازگاری تاریخی را تهدید می‌کند، خروج آن از مدن زیستی به حاشیه است و جان مایه دستی، یعنی تبدیل کارکرد بوها و معنایخش زندگی به صرفا تزئینی در خطر است. گویی امروز نتوانسته‌ایم زندگی‌مان را خراب می‌کنیم و ما باید به اصل خود سکوت نشسته و نظارهگر خودمگی روزگار سرزندگی تاریخی خود است. صنایع دستی را به زندگی برگردانیم که بی‌زندگی، زنده نخواهد ماند. صنایع دستی را به زندگی برگردانیم که بی‌آن هویت تاریخی و توانمندی خردمندانه‌مان دستخوش طوفان‌های هولناک تهی‌شدگی و پوستیکی خواهد شد.

هنرهای سنتی ایران چه کارهای ترویجی و آموزشی باید انجام داد؟

بازگشت صنایع دستی بر خط مقدم ادبیات توسعه، ضروری اجتناب‌ناپذیر است. صنایع دستی نماد موفق اقتصاد هویت‌بنیان ایران در طول تاریخ است. کالایی فرهنگی - اقتصادی برپایه تاریخ، به این معنا که هم نیاز را رفع و هم به لحاظ اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند. انوای صنایع دستی و هنرهای سنتی از ادبیات توسعه و مخاطرات عدم همپوشانی شتاب زندگی مدرن مسئله‌زا مرز ماست. من خلأ به روزرسانی نشدن صنایع دستی را ریشه در مدیریت فرهنگی می‌دانم. ما در گفتمان غالب حفاظت و مراقبت از تاریخ و نمودهای آن مانده‌ایم، در حالی که صنایع دستی قله توانمندی و هویتی تاریخی ملی بوده که همواره در مواجهه با دمبات بازار هنرمندانه عمل کرده است. چه شده است که امروز نتوانسته‌ایم به پای بازار پیش رود. بی‌شک عدم‌تبلیغ و ترویج کاربردهای صنایع دستی با مشوق‌های اجتماعی و اقتصادی عامل مهمی در این زمینه است. در حالی که صنایع دستی ایران در جهان جایگاه ویژه‌ای دارد و از ۴۰۰ گروه و رشته نشد، ۲۹۹ مورد منعلق به این سرزمین است اما چگونه از این توانمندی بهره می‌بریم؟ صنایع دستی ایران در عین کثرت، نماد خلاقانه‌ای از تمایزات فرهنگی و تاریخی است اما از این ظرفیت استفاده نکرده‌ایم، به طوری که کم‌کم نشانه‌های سبک زندگی ایرانی - اسلامی به آفرنا می‌رود و تولن، رفاب فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را با جوامع ازدست می‌دهیم، اما با وجود این، می‌توان راهکارهایی برای برون‌رفت از این شرایط ارائه داد، به ویژه آنکه، توجه به اهمیت نقش نهاد سیاستگذار و اجرایی سیستم حکمرانی در قوام و دوام سه گانه محصول، مشتری و بازار صنایع دستی ایران بسیار اهمیت دارد، امید آنکه بتوانیم شاهد بازگشت صنایع دستی به جایگاه تاریخی باشیم و پویایی آن را تأمین کنیم. اگر رابطه محصول، مشتری و بازار را در حوزه صنایع دستی با رتبه‌بندی و مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن را احصا کنیم، آنگاه رابطه دوسویه به سلیقه و ذائقه مشتری و بازار مداخله خردمحور را خواهیم داشت. اگرچه سیاستگذاران به دلیل غلبه سیاست‌های نفتی در چند دهه اخیر اغلب تمایل به سرمایه‌گذاری در این حوزه داشته‌اند و همین امر موجب کم‌توجهی به سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی شده است و ما محصل این بی‌توجهی، به حاشیه راندن صنایع دستی از زندگی ایرانی شده است، لذا وظیفه فعالان فرهنگی جلب توجه سیاستگذاران به اهمیت حوزه فرهنگ به ویژه صنایع دستی است تا امروز سیستم حکمرانی بتواند با بهره‌مندی از تکنولوژی موجبات توانمند شدن روستاها و ارتقای جریان‌های فکری از خانه‌های کوچک به کسب و کارهای بزرگ شود تا شاهد به قدرت رسیدن این حوزه به جامعه ایرانی و جهان باشیم. از سویی دیگر به علت توجهات جهان به صنایع دستی از منظر سازگاری با محیط زیست و مؤلفه‌های اقلیمی، فرصت مغتنمی برای ما محسوب می‌شود تا زمینه سلیقه‌سازی را فراهم کنیم و پهنه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را از این طریق گسترش دهیم که در گفتمان امروزی جهان، حکمرانی فرهنگی نقش مؤثری در روابط بین‌الملل دارد.

اگر صنایع دستی را بخش مهمی از هویت برجای مانده از پیشینیان بدانیم، حفظ این هویت در برابر فرهنگ‌های بیگانه مستلزم چه اقدامات فرهنگی و حتی مدیریتی و سیاستگذاری است؟

نخستین گام ارتقای نگرش به کارکرد و نقش صنایع دستی به ویژه در عرصه امنیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. دومین گام آموزش و انتقال نسلی و سومین گام سندسازی دانش نسلی برای ایندگان است. امروز ضرورت مستندسازی و انتقال آن به ایندگان بیش از پیش محسوس است تا ایندگان نتوانند بر پایه دیرو برای قرار برنامه‌ریزی کنند. اگرچه واژه صنایع دستی تداعی کننده گذشته است اما جهان امروز به این حوزه به مثابه توانایی و هویتی تاریخی می‌نگرد و از همین رو این هوش نماد پویایی و پیتوپویی، مصداق رشد و شکوفایی هر جامعه است که باید در حفظ و شناسایی، بازرنمندسازی و آموزش و انتقال میان نسلی در حوزه سیاستگذاری و اجرا عزم جدی شکل بگیرد. صنعت امروزی بر خاسته از هوش تاریخی است، پس انقطاع میان گذشته و امروز، حاصلش، تعلیق و تشویش است. امروز علاوه بر پایداری - نه به معنای مراقبت بلکه به معنای زنده نگاه داشتن - ساختار اصلی صنایع دستی برآمده از تاریخ، باید راهی برای رابطه با تکنولوژی و محیط زیست و آینده پژوهی و حوزه‌های دیگر پیدا کنیم که اگر هر کدام از این پیوندها انقطاع یابد، حاصلش سازندگی و توانمندی نیست، از همین رو همگامی و همسویی با دوران ظهور موجب تداوم اندیشه‌مندانه در گذشته برای آینده است.

آیا می‌توانیم الگویی برای خانه ایرانی با تمام ویژگی‌های اصیل و ناب ترسیم کنیم؟

بی‌شک، همانگونه که در تاریخ‌مان می‌توان مصادیق متعدد از بازتاب فرهنگ در زیست ایرانی یافت، امروز نیز می‌توان چنین الگویی را ایجاد کرد. اگر چه این موضوع با چهانی‌سازی و پیوند میان انسان و محیط زیست کمرنگ شده اما در خانه ایرانی می‌توان همه نیازهای زیستی در افلیم و فرهنگ ایرانی را تأمین کنیم. اگر رابطه محصول، مشتری و بازار را در حوزه صنایع دستی با رتبه‌بندی و مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن را احصا کنیم، آنگاه رابطه دوسویه به سلیقه و ذائقه مشتری و بازار مداخله خردمحور را خواهیم داشت. اگرچه سیاستگذاران به دلیل غلبه سیاست‌های نفتی در چند دهه اخیر اغلب تمایل به سرمایه‌گذاری در این حوزه داشته‌اند و همین امر موجب کم‌توجهی به سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی شده است و ما محصل این بی‌توجهی، به حاشیه راندن صنایع دستی از زندگی ایرانی شده است. لذا وظیفه فعالان فرهنگی جلب توجه سیاستگذاران به اهمیت حوزه فرهنگ به ویژه صنایع دستی است تا امروز سیستم حکمرانی بتواند با بهره‌مندی از تکنولوژی موجبات

صنایع دستی تولید عشق، عاطفه، اخلاق، تربیت، تولید و ثروت می‌کند. سبک زندگی ایرانی، خانواده‌محور است و صنایع دستی نیز خانواده‌محور است و چون ریشه سبک زندگی ایرانی در خانواده است، این خانواده مولد باعث می‌شود، صنایع دستی مبتنی بر محوریت خانواده داشته باشیم که همه اهالی در آن نقش دارند

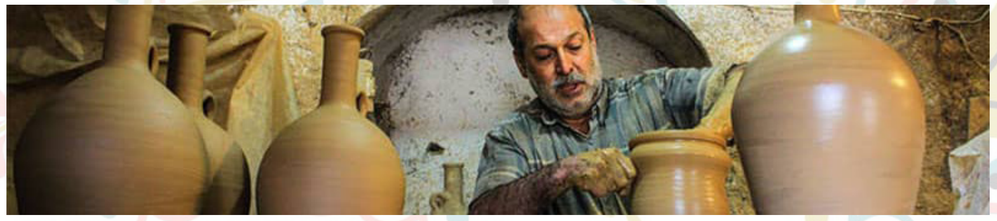

راحله کاظم‌پور، پژوهشگر، کاشیگر و مدرس دانشگاه:

حضور آرایه‌های اصیل ایرانی در محیط زندگی‌مان سدی در برابر فرهنگ غربی است

راحله کاظم‌پور، پژوهشگر، کاشیگر و مدرس دانشگاه معتقد است: علاقه افراد مختلف به صنایع دستی و استفاده از آن در معماری بناها جدا از معماری سنتی در معماری مدرن هم موضوع چشمگیری است. حضور ارایه‌های اصیل ایرانی، همچون مانع و سدی در برابر فرهنگ غرب عمل می‌کند.

وی درگفت‌وگو با «جوان» بیان می‌کند: خانه‌ها نقطه امن زندگی بشر هستند و وارد کردن عنصری چون کاشی به دلیل تفاوت و زیبایی و همین‌طور زمادی از اصالت ایرانی یادگاری از گذشتگان است که امروز با تعبیرات اندک و هوشمندانه به عنوان آذین بر بناهای جدید به شکل کاربردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مدرس دانشگاه که حوزه فعالیتش هنر کاشیکاری است معتقد است امروزه تعامل زیادی برای بازگشت به سبک زندگی سنتی دیده می‌شود که ریشه در اصل ما دارد چراکه عمدتاً همه ما در خانه هایی رشد کرده‌ایم که مزین به نقش و نگار سنت بوده است.

وی با اشاره به اینکه ما بلدید به آنچه غرب برای مان تدارک دیده است، برسیم تصریح می‌کند: سبک زندگی غربی خالی از ارایه است در حالی که زندگی اصیل ایرانی مزین به سنت، فارغ از ظواهر غربی است.

کاظم‌پور معتقد است: خوراک اشتباه دادن سلیقه و ذائقه مخاطب را خراب می‌کند و ما باید به اصل خود برگردیم و اگر کسی برنگردد در واقع جا مانده است.

وی سه دلیل عمده برای بازگشت به این اصل و ریشه بیان می‌کند و می‌گوید: دلایل اقتصادی، فضای مطلوب و نیز سلیقه مخاطب سه دلیل مهم برای بازگشت به اصالت و استفاده از معماری سنتی ایرانی است.

به اعتقاد وی فضای فعلی شهری امکان معماری سنتی و استفاده از آرایه‌های اصیل را سلب کرده که نیازمند اعمال تغییرات لازم است.

امروزه تمایل زیادی برای بازگشت به سبک زندگی سنتی دیده می‌شود که ریشه در اصل ما دارد چراکه عمدتا همه ما در خانه هایی رشد کرده‌ایم که مزین به نقش و نگار سنت بوده است

محمدحسین عسکرپور
مدیر کل دفتر حمایت از تولید صنایع دستی:

تمام ذائقه‌ها مشتری می‌شوند

به گفته محمدحسین عسکرپور، مدیر کل دفتر حمایت از تولید معاونت صنایع دستی از آنجا که صنایع دستی صرفاً نیازمند مواد اولیه داخلی است در نتیجه به هرگونه واردات بی‌نیاز است و به اقتصاد جوامع محلی به شدت کمک می‌کند. به اعتقاد او صنایع دستی برای تمام ذائقه‌ها و آرمان و محصولی برای عرضه دارد. ماحصل گفت‌وگوی کوتاه ما با او در پی می‌آید.

هر چند شاغلان ثبت شده در حوزه صنایع ۱۱۹هزار نفر هستند اما رقم واقعی بیش از اینهاست و همراه با خانواده‌های شان، میلیون‌ها نفر را دربر می‌گیرد. با ۱۸ گروه رشته داریم که بافته‌های داری و غیرداری، رودوزی‌های سنتی، صنایع دستی چوبی و حصیری، صنایع دستی پوشاک سنتی، نساجی سنتی، صنایع دستی فلزی چرمی، کاشی و سفال و سرامیک، صنایع دستی آبگینه یا شیشه، طراحی و نقاشی سنتی، میناکاری، سازهای سنتی، جاپ‌های سنتی، هنرهای وابسته به معماری، هنرهای صنایع دستی دریایی، کاغذی و استخوان را شامل می‌شود و یکسری پیشه‌های وابسته است که در همه رشته‌ها وجود دارد. بیشترین فراوانی را در بافته‌های داری و غیرداری داریم که حدود ۱۶۰هزار نفر هستند و بعد رودوزی‌های سنتی که حدود ۶۸هزار نفر هستند و بعد صنایع دستی چوبی و حصیری که حدود ۴۶هزار نفر و در پوشاک سنتی ۵۹هزار نفر، نساجی سنتی حدود ۴۷هزار نفر، صنایع دستی فلزی ۴۲هزار نفر، صنایع دستی چرمی ۳۲هزار نفر، کاشی و سفال و سرامیک ۱۳هزار نفر، صنایع دستی سنگی ۹هزار نفر، آبگینه حدود ۶هزار و ۷۰۰ نفر و طراحی و نقاشی ۹هزار و ۹۰۰ نفر، میناکاری ۴هزار و ۲۰۰ نفر، سازهای سنتی ۳هزار و ۴۲۰ نفر، جاپ‌های سنتی ۳هزار و ۶۰۰ نفر، کارهای وابسته به معماری ۳هزار و ۳۹۱ نفر، هنرهای درپایی ۵۰۰ نفر، صنایع دستی کاغذی ۳۵۰ نفر و صنایع دستی استخوان ۵۶ نفر فعال هستند در پیشه‌های وابسته نیز ۲۵ هزار نفر شاغل داریم.

بیش از ۷۰درصد آمار ارائه شده در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی مربوط به اشتغال زنان است. بخشی از این جامعه روستاییان هستند که می‌توانند به تقویت اقتصاد خانواده کمک کنند. علاوه بر این شاغلان صنایع دستی اشراف دارند که ارزش کاری که با دست ساخته می‌شود بالاست و ارزش افزوده کار بالا می‌رود. به طور مثال از حصیر ساده‌اثر فاخر ایجاد می‌شود. از آنجا که صنایع دستی صرفاً نیازمند مواد اولیه داخلی است، در نتیجه به هرگونه واردات وابسته نیستند و به اقتصاد جوامع محلی به شدت کمک می‌کند. از سویی صادرات بالاتر موجب می‌شود ارزش افزوده صنایع دستی ایران بالاتر برود. صنایع دستی در بعد اقتصادی خانواده و هم در کشف بازارهای جدید داخلی و خارجی مفید است.

هر چاه گردشگری پررنگ بوده باز صنایع دستی هم پررنگ بوده است، یعنی هم صنایع دستی جاذبه است که نقش‌های ایرانی دیده می‌شود و هم به عنوان سازار جانبی برای گردشگری است. در واقع صنایع دستی اقتصاد مکمل جوامع محلی محسوب می‌شود. نکته دیگر اینکه اشتباه است که صنایع دستی را صرفاً یک صنعت ببینیم بلکه صنایع دستی ترویج هنر ایرانی است. تنوع نشانگر فرهنگ غنی ایرانی است و این فرهنگ غنی جای ترویج دی‌نیاز دارد تا دانشمندهای کشورمان را معرفی کند. صنایع دستی برای تمام ذائقه‌ها/رمعان و محصولی برای عرضه دارد. اگر صنایع دستی به نیاز روزمره گره بخورد بسیار موفق است. گاهی هنرمند کلایی، اظهر برای مشتری خاص تولید و گاهی در حد معمول برای رفع نیاز داخلی اقدام به تولید می‌کند. اما هر دو را باید همزمان مدیریت و نیاز هر دو گروه را مرتفع کرد. هر گروه هنری مشتری خاص خود را دارد. مهم این است که برای پاسخ به نیاز طبقه متوسط به پایین تلاش بیشتری برای کاربردی تر کردن صنایع دستی صورت گیرد.

هر ایرانی باید حداقل چندین محصول صنایع دستی کشور خود را در منزل داشته باشد و این محصولات زینت‌بخش خانه‌ها باشد، البته این موضوع نیازمند برنامه‌ریزی برای ارائه مناسب محصول به مصرف‌کنندگان است. نحوه بسته‌بندی و ارائه صنایع دستی نیز باید هنرمندانه و خلاقانه باشد

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل مجمع هنرمندان صنایع دستی:

محصولات صنایع دستی باید زینت‌بخش تمام خانه‌های ایرانی باشد

به اعتقاد رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل مجمع هنرمندان صنایع دستی، حوزه صنایع دستی باید در پنج زمینه طراحی، کاربردی کردن، بسته بندی، برداشتن موانع صادرات و نحوه عرضه جزء تحول شود تا مخاطبان خاص خود را جذب کند.

سخن آخر...

ما در یک سه‌گانه مهم یعنی هنرمند، صنعتگر و سیاستگذار - تاجر یا بازرگان - قرار داریم که صنایع دستی به هر سه نیاز دارد. هنرمند باید به جوشش هنری و صنعتگر به کوشش تولیدی و بازرگان به ایجاد رابطه میان افراد و تبدیل آبها به ارزش اقتصادی بپردازد تا روقی شایسته در صنایع دستی داشته باشیم.

فرزاد اوجانی، مدیرکل دفتر بازاریابی و تجاری‌سازی صنایع دستی:

نیازمند برنامه مدون ترویجی هستیم

به اعتقاد مدیر کل دفتر بازاریابی و تجاری‌سازی معاونت صنایع دستی، اگر به صورت برنامه‌ریزی شده و با اختصاص بودجه مناسب امکان معرفی همه جانبه محصولات را داشته باشیم مطمئناً صنایع دستی جای خود را در سبد زندگی مشتریان داخلی پیدا می‌کند. گفت‌وگوی کوتاه ما با فرزاد اوجانی در پی می‌آید.

استفاده از صنایع دستی و ترغیب مردم به حمایت، خرید و ترویج آن چگونه به اقتصاد کشور کمک می‌کند؟

مهم‌ترین عامل در این زمینه معرفی و ترویج مناسب صنایع دستی است. شاید نزدیک به گذشته‌های دور برنامه‌های مدونی برای معرفی و ترویج صنایع دستی نداشتیم اما اگر به صورت برنامه‌ریزی شده و با اختصاص بودجه مناسب امکان معرفی همه جانبه محصولات را داشته باشیم مطمئناً صنایع دستی جای خود را در سبد زندگی مشتریان داخلی پیدا می‌کند و حتی در سطح بین‌المللی می‌تواند در سبد مصرفی کشورهای خارجی قرار گیرد و علاوه بر مزایای اقتصادی، پیام فرهنگی ما را نیز منتقل کند. صنایع دستی ما به حدی از تنوع برخوردار است که امکان انتخاب توسط هر فردی در هر کجای جهان را خواهد داشت. به طور مثال شاید شیشه در اروپا سازگار باشد اما خانم در امریکای لاتین سازگار باشد، لذا با تنوع صنایع دستی که داریم می‌توانیم هم مخاطب داخلی را جذب کنیم هم صادرات لازم را داشته باشیم به شرط اینکه معرفی مناسبی صورت بگیرد.

بی‌تردید صنایع دستی در شهرهای کوچک می‌تواند منجر به اشتغال شود و معیشت یک جامعه میلیونی را متحول کند، به نظرشما در این زمینه چه باید کرد؟

بیشتر فعالیت روستاییان تولیدی است و تلاش شده است با کمک بخشایی به تحولات صورت گرفته ساختار سازمانی در دولت‌های مختلف اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: ما در حال حاضر خواستار تغییر معاونت به سازمان هستیم که در دولت‌های قبلی دچار چالش شد و در واقع این مهم یکی از خواسته‌های صنعتگران مختلف حوزه صنایع دستی است.

وی می‌افزاید: اگر بتوان یک سازمان در وزارت صنعت با میراث فرهنگی ایجاد کرد تا متولی مقوله فرش و سایر صنایع دستی شود و هر کدام هم قرار گیرند، شاهد ایجاد دستگاه قدرتمندی برای تجدید هویت بخشی به صنعت کشور خواهیم بود و مشکل میلیون‌ها قشر در این حوزه حل می‌شود.

مدیر عامل مجمع هنرمندان صنایع دستی، این حوزه را دچار رکود می‌داند و بیان می‌کند: بر نامه‌ریزی برای رفع مشکلات حوزه صنایع دستی است تا بتوان در داخل و خارج کشور محصولات کاربردی ارائه و مردم را به خرید صنایع دستی جذب کرد.

وی ساختار فعلی را معیوب می‌داند و بیان می‌کند: کار